

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبایی (ره)

محمد گل محمدی^۱

^۱ دانشجوی کارشناسی رشته آموزش الهیات دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید مقصودی همدان
تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبایی (ره) m.g.teacher1379@gmail.com

چکیده

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، در صدد تبیین نظریه علامه طباطبائی در خصوص اندیشه‌های تربیتی می‌باشد. علامه به تناسب، در مباحث علمی - فلسفی خود به بحث‌های مرتبط با فلسفه تعلیم و تربیت پرداخته است. نظرات ایشان با توجه به رویکرد فلسفی و توجه ویژه به حکمت متعالیه و تکمیل آن، بستر مناسبی برای طرح ریزی یک نظام جامع تربیتی برآمده از فلسفه اسلامی است. خصوصیات کم نظیر و گاهی هم منحصر به فرد ایشان، از جمله اشراف بر مباحث فلسفه اسلامی و ارائه نظرات مبتکرانه از طرفی و آشنایی با فلسفه غرب و مبانی آن از سوی دیگر، می‌تواند از دلایل اقبال عموم فرهیختگان حوزوی و دانشگاهی به ایشان باشد.

از این رو، پرداختن به آرای این اندیشمند فرزانه، گامی به سوی نظام تعلیم و تربیت اسلامی می‌باشد. در این تحقیق سعی شده است با بیان دیدگاه علامه طباطبائی درباره فلسفه آموزش و پرورش، بعد نگرشی آن و استلزامات تربیتی آن در آموزش و پرورش، با نقل قول مستقیم و گاهی هم با برداشت‌های محتاطانه از تفسیر شریف المیزان، به طور اجمالی نظام تربیتی اسلامی بر اساس دیدگاه ایشان ترسیم شود.

واژه‌های کلیدی

تعلیم و تربیت، استلزامات تربیتی، معلم، شاگرد، روش تدریس و تشویق و تنبیه.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مقدمه

علامه طباطبایی از آنجا که نوع نگرش هر محقق به ماهیت انسان تأثیر بسزایی بر دیدگاه های تربیتی او دارد، پیش از بررسی دیدگاه های تربیتی علامه طباطبایی (ره) نخست، گذری اجمالی به دیدگاه های وی در زمینه ی انسان شناسی، معرفت شناسی و ارزش شناسی خواهیم داشت تا راه برای استنباط دیدگاه های تربیتی ایشان فراهم گردد. ابتدا به طور مختصر، به ویژگی هایی که علامه طباطبایی از انسان ارایه کرده، اشاره می کنیم .. انسان موجودی است که از تن و روان ترکیب یافته است. این دو، پیوسته در زندگانی دنیوی همراه و ملازم یکدیگرند. هنگام مرگ، روح از بدن جدا شده، سپس انسان به نزد خدا باز می گردد ۲. انسان صاحب ابزاری است که او را قادر می کند بر جهان آگاهی یابد. خداوند متعال نوع انسان را که آفرید، قوای ادراکی در او به ودیعت نهاد و چشم و گوش و... قوای باطنی برایش قرار داده، او را نیروی فکر عطا فرمود که بتواند به وسیله ی آن، از حوادث گذشته و آینده اطلاع یابد ۳. انسان موجودی صاحب علوم عملی است؛ مجموعه ای از بایدها و نبایدها که آدمی به اقتضای قوا، امکانات و نیازهای خود به وجود می آورد و آنها را واسطه ی استکمال خود قرار می دهد. این علوم محصول احساسات درونی آدمی است که تحت تأثیر نیازها و ویژگی های دستگاه های بدن آدمی آنها را به وجود می آورد. این علوم ابزاری است از جنس فکر تا در میدان کار و کوشش و تصرف و تسخیر طبیعت موفق باشد ۴. انسان موجودی استخدام گر است.

روش تحقیق:

موضوع اصلی این پژوهش تبیین تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی با تاکید بر هدف ها و روش های تربیتی است. این تحقیق از نوع نظری و روش آن روش کتابخانه ای است. در این پژوهش،

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



اهمیت علم

در اسلام اهمیت فراوانی به تلاش برای به دست آوردن علم شده است. برای نمونه، تنها به یک مورد که علامه در ذیل آیه شریفه (وآخرین منہم لما یلحقوا بہم) (حدید: ۳) آورده است، اشاره می شود: در مجمع البیان می گوید: روایت شده که پیغمبر این آیه را قرائت می کرد. شخصی پرسید: اینها چه کسانی هستند که بعد از ما اسلام می آورند؟ رسول خدا دست بر شانه سلمان گذاشت و فرمود: اگر ایمان در ثریا باشد، مردانی از نژاد این مرد آن را به دست می آورند. و در روایتی دیگر فرمود: اگر علم در ثریا باشد مردانی از نژاد این مرد آن را به دست می آورند

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱. ارتباط بین مقولات فلسفی و جنبه های مختلف تعلیم و تربیت :

از دیدگاه رئالیسم اسلامی چون بین جهان بینی (مقولات فلسفی) و ایدئولوژی یک رابطه ی منطقی وجود دارد، در تعلیم و تربیت (که از نوع ایدئولوژی است) نیز می توان چنین ارتباطی را به خوبی نشان داد. همان گونه که در تعریف مبانی مشاهده شد جهان بینی یک مکتب بویژه نوع نگرش آن به (انسان) تاثیر بسیار عمیقی در جنبه های تعلیم و تربیت دارد، زیرا انسان موضوع تعلیم و تربیت است پس در آغاز باید به این پرسش پاسخ گفت که انسان چیست دارای چه ویژگی هایی است؛ شئون و استعداد های او کدام است؟ هدف نهایی وی چیست؟ اصولاً چه تیپ انسانی می خواهیم تربیت کنیم؟ لذا پس از روشن شدن این مسائل و سوالات است که می توان به سراغ تعلیم و تربیت رفت و نظام تربیتی مناسبی را تاسیس کرد. اصولاً مرحوم علامه طباطبایی و استاد شهید مطهری قبل از طرح مباحث اخلاقی و تربیتی و در آغاز به بحث درباره جهان بینی خود پرداخته و بویژه بحث از انسان را به عنوان مرکز مباحث خویش قرار داده اند

بر همین اساس بحث تعلیم و تربیت در این دیدگاه، بحث ساختن انسان و به کمال رساندن اوست یعنی پرورش عبد صالح که در اثر نزدیکی به خدا حاصل می شود و همین امر هدف اساسی فرستادن پیامبران و کتاب وحی از جانب پروردگار است. چنانچه قرآن می فرماید (هو الذی بعث فی الامم رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمه و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین) (سوره جمعه، آیه ۳)

هدف آفرینش انسان تنها در پرتو تعلیم و تربیت میسر است؛ به این منظور، خداوند متعال انسان را به نیروی عقل و ابزار معرفت تجهیز کرد و پیامبرانی را با براهین روشن و احکام و قوانین متین برانگیخت و رسالت سنگین تعلیم و تربیت انسان را به آنان سپرد. از این رو، تعلیم و تربیت مهم ترین بخش تعلیمات و معارف ادیان آسمانی، به خصوص اسلام را تشکیل می دهد. با وجود این باید اذعان کرد که هنوز، نظام تربیتی اسلام به شکل اصولی، دقیق و متناسب با نیازهای جامعه ی اسلامی تنظیم و تدوین و مرزهای تعلیم و تربیت اسلامی به خوبی مشخص نشده؛ چنان که برخی آن را با اخلاق اسلامی و توصیه های اخلاقی یکسان می پندارند.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



برای تحقق این هدف آشنایی با مبانی استنباط و اجتهاد در علوم اسلامی و تسلط بر مقدمات تحقیق در قرآن و احادیث و آگاهی از نظریات تربیتی دانشمندان تعلیم و تربیت در اسلام و جهان لازم و ضروری است.

استاد علامه طباطبایی (ره)، فقیه و مفسر و حکیم و اسلام شناس جامع در عصر حاضر، با الهام از سر چشمه ی وحی در رشته های مختلف علوم و معارف اسلامی تحقیقات جامع و گسترده ای کرده و آثار گرانبهایی به وجود آورده؛ مانند تفسیر المیزان که از آن به دایره المعارف اسلامی یاد می شود. اصالت نظرات ایشان از نظر انتساب به اسلام مورد اتفاق دانشمندان اسلامی است.

۲. انسان شناسی

به نظر می رسد ایشان در مورد طبیعت آدمی به دو سرشت اولیه و ثانویه اعتقاد دارد و این ویژگی یعنی استخدام، از سرشت اولیه ی آدمی است؛ به سخن دیگر، آدمی به سرشت اولیه موجودی منفعت جو است و تمامی عمل ها و حرکت هایش در جهت منافع و مصالحش است در مواجهه با حجم وسیع نیازها به این اندیشه می رسد که بدون کمک گرفتن از دیگران، امکان ارضا و اشباع را نخواهد داشت.

انسان طبعاً مدنی و اجتماعی است. آدمی به سبب روح استخدام گری که دارد، به اجتماع روی می آورد و اینکه ایشان می فرماید آدمی طبعاً مدنی است به همین معناست: «بنا بر این، لزوم اجتماع مدنی و عدالت اجتماعی امری است که بشر ناچار از پذیرفتن آن است» ۶.

انسان دارای فطرت است. «فطرت» از واژه های کلیدی اندیشه ی انسان شناسی علامه طباطبایی است. وی درباره ی فطرت چنین می نویسد: «انسان نیز مانند سایر انواع مخلوقات فطرتی دارد که او را به سوی تکمیل نواقص و رفع حوائجش هدایت نموده، آنچه را نافع برای اوست و آنچه را برایش ضرورت دارد، به او الهام می کند؛ پس انسان فطرتی (خلقتی) خاص دارد که او را به نسبتی خاص، به زندگی هدایت می کند و راه معینی دارد که به هدف و غایتی خاص منتهی می شود.... انسان که در این نشئه زندگی می کند، نوع واحدی است که به سبب دارا بودن روح و بدن مشابه سود و زیان مشترکی دارد»

۳. معرفت شناسی

علامه طباطبایی تعریف علم در معرفت شناسی جایگاه خاصی دارد. علامه علم را حضور چیزی برای چیز دیگر می داند و قابل به امکان دست یافتن به معرفت بوده، ابزارهای معرفت را شامل حس و عقل می داند و طبیعت، عقل و قلب را منابع معرفت معرفی می کند. علامه

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



طباطبایی علم را به حقیقی و اعتباری تقسیم می نماید. علم حقیقی به حصولی و حضوری تقسیم شده است. علم حصولی به کلی و جزئی، ماقبل کثرت و ما بعد کثرت، تصور و تصدیق، بدیهی و نظری و حقیقی و اعتباری تقسیم می شود.

علامه طباطبایی علم را امری مجرد تلقی کرده، برای اثبات این مدعا دلایلی می آورد؛ چون قابل انقسام نبودن، عدم انطباق بزرگ به کوچک، عدم تطبیق به زمان و مکان و نظایر آن. او همچنین در پیروی از ملاصدرا، علم را امری مشکک معرفی می کند که شامل مراتب حسی، تخیلی و عقلی است. او همچنین عقل را امری قابل اعتماد میداند و در این راه، مبادرت به استدلال می نماید؛ ولی آن گاه به تعریف حقیقت پرداخته، معیار حقیقت را تطابق ادراک ذهنی با واقعیت می داند؛ پس به نظر او، دست یافتن به حقیقت میسر است. وی ابزار تشخیص حقیقت را منطق می داند که مراد همان منطق ارسطوست

حقیقت امری دایمی است که تغییر نمی یابد؛ اما علامه طباطبایی تکامل عرضی حقیقت - که مراد از آن افزایش اطلاعات در خصوص امری خاص است - و تکامل طولی آن را - که مشتمل بر انجام اصلاحاتی در نظریه ی قبلی است یا اینکه نظریه ی جدید با تجربیات بیشتر و دقیق تری منطبق باشد - می پذیرد.

از نظر علامه طباطبایی، خطا بیان حکمی است که با واقع انطباق نداشته باشد. خطا در علوم حصولی رخ می دهد؛ نه در علم حضوری

۴. ارزش شناسی

علامه طباطبایی ارزش ها بخشی از تعلیم و تربیت را تشکیل می دهد. نظری اجمالی به ارزش شناسی علامه طباطبایی به محقق در تبیین ماهیت تعلیم و تربیت کمک می کند. از دیدگاه علامه طباطبایی ارزش ها، گزاره ها و مفاهیمی است که در حوزه ی ادراک های عملی با اعتباری قرار می گیرد. این مفاهیم و گزاره ها، ساخته و پرداخته ی دستگاه شناختی آدمی است که برای ارضای نیازها و کسب کمال و سعادت تهیه می شود. به زعم ایشان این ادراکها محصول قومی خیال یا وهمیه است

اعتباریات یا ارزش ها، بیرونی و مستقل از ما نیست که بشر به مانند واقعیت های بیرونی به شناخت آنها نایل آید؛ بلکه تولید خود و محصول تکاپوی ذهنی وی است تا مشکل های زندگی دنیوی وی را حل نماید

او دایم این معنا را دنبال می کند و زندگی خویش را بر اساس آنها استوار می سازد؛ اموری که واقعیتی در خارج ندارد، سامان دهنده ی زندگی وی است و به موجب آنها کمال قابل و ممکن ذات خود را به دست می آورد

۵. ویژگی مفاهیم اعتباری

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



این است که در آن می توان نسبت باید را ملاحظه کرد. این باید طی یک فرایند پیچیده ی روانی رخ می دهد و شبیه فرایند تولید استعاره ی ادبی» است. در این فرایند، ذهن با ملاحظه ی خواص و اوصافی در «مشبه به یک سلسله معانی احساسی را به آن اضافه می نماید تا از آن نتیجه ی عملی گرفته شود؛ مثلا با دیدن خصوصیتی در علی او را به شیر تشبیه و بیان می کند که «علی شیراست» نتیجه ی این استعاره یا اعتبار شعری تهیج احساسات خود یا «علی» یا دیگران است. به زعم علامه، چنین فرایندی نیز در آدمی برای تولید ارزش ها رخ می دهد. حیات دنیوی آدمی تحت تأثیر دو اصل اساسی است که عبارت است از:

۶. الف. کوشش برای حیات ب. انطباق با احتیاجها بر اساس اصل انطباق با احتیاجها که بر تمامی شئون نفسانی و جسمانی اش حاکم است، آدمی تلاش می کند آنچه را برایش مفید است، جذب و آنچه را برایش ضرری دارد، دفع کند

تنها قاعده ی ذهنی که بر اعتباریات حاکم است، لغویت و عدم آن است. تشخیص اعتبار لغو از غیر لغو به اعتبار همین نتایج است؛ بنا بر این، توجیه ارزش ها از طریق نتیجه ی آن ممکن است. از آنجا که نتیجه ی اعتباریات امری بیرونی و واقعی است، قابل بررسی است. علامه در این خصوص اعتقاد دارد اعتباریات با سعادت انسان ها ارتباط دارد. اعتباری که با سعادت انسان ها ارتباط داشته باشد، معتبر و در غیر این صورت لغو خواهد بود؛ بنا بر این، نتایج اعتبار محمل مناسبی است برای توجیه آن و جنبه ی خردمندانه بودن آن نیز از این طریق صورت می گیرد از دیدگاه علامه طباطبایی، اعتباریات در ثبات و تغییر تابع احساسات است که با ظهور و بروز آن، اعتباریات نیز از بین می رود. این قاعده در موارد بسیاری صادق است؛ یعنی با تغییر احساساتی که باعث می شود اعتباری ایجاد شود، اعتبار هم لغو می شود؛ اما در این فراز، علامه به ثبات هم اشاره کرده است. از آنجا که در طبیعت آدمی ویژگی هایی تغییر ناپذیر است، اعتباریاتی که بر اساس این ویژگی ها شکل می گیرد، ثبات دارد به بیان دیگر، بسیاری از اعتباریات سر در ویژگی هایی دارند که دایم، در طبیعت فطرت آدمی است؛ یعنی فطرت و طبیعت آدمی را به سوی اعتباریات خاصی سوق می دهد. ایشان در بخشی از اصول فلسفه می نویسند انسان بر اساس طبیعت خودگرایانه اش، همه چیز را برای خود می خواهد و بر اساس همین خودگرایی، اجتماع را اعتبار می نماید؛ زیرا از طریق اجتماع، مصلحت و سود وی بهتر تأمین می شود. پس از اعتبار اجتماع، برای ایجاد موقعیت مناسب زندگی سعادت‌مندانه، به اعتبار حسن و عدالت و قبح ظلم می رسد. این گونه است که طبیعت و ماهیت تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی علامه طباطبایی پیش از تعریف تعلیم و تربیت، چند واژه و موضوع را تعریف می کند که به نحوی، با تعلیم و تربیت از نظر مصداق و مفهوم شباهت دارد تا وجوه تمایز و نکات مشترک آنها را با تعلیم و تربیت روشن کند.

۷. اخلاق

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



علم اخلاق عبارت است از فنی که دربارهی ملکات انسانی بحث می کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی، حیوانی و انسانی است و ملکات خوب و ارزشمند را از ملکات و اوصاف زشت و منفی جدا می سازد تا انسان با آراستن خود به ملکات ارزشمند، سعادت علمی و عملی خود را به کمال رساند و رفتار و اعمال شایسته ای داشته باشد؛ چنان که رضایت و تحسین افراد جامعه را به سوی خود جلب کند «اخلاق» جمع مکسر «خلق» است و «خلق» به یک صورت ادراکی می گوئیم که درون انسان جایگزین شده و در موقع مناسب، جلوه می کند و او را به ارادهی عملی وادار می نماید

۸. تزکیه

تربیت و رشد دادن چیزی به شکل مطلوب و شایسته است «یا رشد دادن و ترقی دادن چیزی است؛ به گونه ای که خیرات و برکات از آن بروز کند»

۹. هدایت

عبارت است از دلالت به هدف با نشان دادن راهی که آدمی را به غایت مطلوب برساند و آن خود نوعی به مطلوب رساندن و ایصال الی المطلوب است. حقیقت هدایت به خداوند متعال قایم است؛ چنان که فرمود: *إِنك لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَكِنِ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ (قصص، ۵۶)*؛ ای پیامبر! کسانی را که دوست می داری، قدرت هدایتشان را نداری؛ خداوند هر کس را خواست هدایت می کند

۴. تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی تعلیم و تربیت را مفهوم واحد دانسته، آنها را جداگانه بررسی و تعریف می نماید. ایشان تربیت را مترادف تزکیه و مشابه هدایت می داند. چنان که در تعریف هدایت ملاحظه شد - و تعلیم را به مفهومی اطلاق می کند که شامل فعالیت های مدرسه و دستگاه آموزش و پرورش است و آن را یکی از شئون پیامبر اسلام (ص) می داند؛ از این جهت می توان گفت منظور ایشان از تعلیم، مفهوم و معنی education است که تعلیم و تربیت ترجمه شده است و معنی و مفهوم واحدی را افاده و آن را چنین تعریف می کند: «التعلیم انما هو هداية المعلم الخبير ذهن المتعلم و ارشاده الی يصعب عليه العلم به و الحصول عليه لا ما يمتنع فهمه من غير تعلیم، فانما التعلیم تسهیل للطریق و تقریب للمقصد، لا ایجاد للطریق و خلق للمقصد» تعلیم، هدایت و ارشاد ذهن فراگیر به وسیله ی معلمی آگاه است تا مطالبی را که فراگیری آنها برای دانش آموز دشوار است، بیاموزد؛ بنا بر این، تعلیم آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است؛ نه ایجاد کردن آنها در تعریف، به ارکان و عناصر تعلیم و تربیت که عبارت است از: هدف، روش، معلم، دانش آموز و مواد آموزشی توجه شده استدر تعریف

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر با محوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



مشخص شده است که هدف تعلیم و تربیت رسیدن به غایت مطلوب است. معلم با نشان دادن راه و هدایت دانش آموز، زمینه را برای رسیدن و رساندن او به هدف فراهم می‌سازد؛ هدفی که به خواست گروه و جامعه محدود نیست. روش تعلیم و تربیت، در تعریف، هدایت و آسان کردن راه و نزدیک ساختن مقصد مطرح شده است که معلم راهی را ایجاد نمی‌کند؛ بلکه به دانش آموز کمک و او را راهنمایی می‌کند. د. در تعریف، مسئولیت معلم، تلقین و انتقال معلومات نیست؛ بلکه کمک و راهنمایی فراگیران است که با نشان دادن و آسان کردن راه، رسیدن به مقصد نهایی و مطلوب را ممکن سازد. در تعریف، بر لزوم آگاهی و خبرگی معلم تأکید و شرط اساسی هدایت و تحقق تعلیم و تربیت عنوان شده است. هد. دانش آموز عنصر مهم در تعلیم و تربیت تلقی شده است. توان و استعداد یادگیری به سن و طبقه ی خاصی محدود نشده است. و مواد آموزشی به صورت مطلق و عام ذکر شده، همهی علوم، فنون، تجربه ها و رفتارها را در بر گرفته؛ برخلاف برخی تعاریف که مواد آموزشی را به میراث فرهنگی محدود ساخته است

رابطه ی تعلیم با تربیت از نظر علامه طباطبایی مشخص کردن حدود و مرزهای تعلیم و تربیت و بیان قلمرو هر کدام، در عمل میسر نیست؛ زیرا هر تربیتی مستلزم تعلیمی است و هر تعلیمی نوعی تربیت به شمار می‌آید؛ ولی از نظر مفهومی می‌توان تفکیکی میان آن دو قایل شد. از نظر مفهوم، تربیت معنی گسترده و فراگیری دارد و همه ی جنبه های شخصیت انسان را در بر می‌گیرد؛ ولی تعلیم فقط بخشی از جنبه های شخصیتی را شامل می‌شود؛ به این دلیل، تربیت شامل تعلیم نیز هست و میان آن دو عام و خاص مطلق برقرار است و تعلیم انسان وسیله ای برای تربیت ابعاد شخصیتی او به شمار می‌آید.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «تعلیم، هدایت و ارشاد ذهن فراگیر به وسیله ی معلمی آگاه است تا مطالبی را که فراگیری آنها برای دانش آموز دشوار است، بیاموزد؛ بنابر این، تعلیم آسان کردن راه و نزدیک کردن مقصد است؛ نه ایجاد کردن راه و آفریدن مقصد»

در این تعریف، هدایت، جنس برای تعلیم مطرح شده است که نشان می‌دهد تعلیم نوعی هدایت است و هدایت از نظر علامه طباطبایی عبارت است از نشان دادن راهی که آدمی را به غایت مطلوب برساند چنان که در تعریف تزکیه و هدایت ملاحظه شد، علامه تربیت را مرادف تزکیه و مشابه هدایت می‌داند. حال با توجه به اینکه هدایت را جنس برای تعلیم در نظر گرفته اند، می‌شود نتیجه گرفت که از نظر ایشان، بین تعلیم و تربیت رابطه ای دو سویه برقرار است.

ساختمان وجودی انسان به گونه ای است که هیچ کدام از جنبه های شخصیت و استعدادهای او در رشد حرکت تکاملی، بی نیاز از ابعاد دیگر نیست و میان آن ارتباط ارگانیک برقرار است. پرورش بعدی از وجودانسان، جدای از ابعاد دیگر میسر نیست. هنگامی رشد فکری و علمی فرد امکان می‌یابد که از نظر جسمانی و موقعیت سنی به رشد کافی رسیده باشد. افرادی که از نظر عاطفی، اجتماعی و جسمانی رشد بهتری دارند، قابلیت رشد فکری و تعلیمی بیشتری دارند؛ از طرف دیگر، تربیت انسان در جنبه ای بدون پرورش بعد فکری او ممکن نیست. هر تربیتی مستلزم تعلیمی است و «تعلیم وسیله ی تحصیل است»

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱۰. تقدم تربیت بر تعلیم

علامه در ذیل آیات شریفه «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ» (بقره: ۱۲۸) و «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِّنْهُمْ» (جمعه: ۲) می فرماید: در سوره «جمعه»، آیه ۲ مسئله تزکیه را قبل از تعلیم کتاب و حکمت ذکر کرده است و در دعای حضرت ابراهیم (بقره: ۱۲۹) تعلیم کتاب و حکمت را جلوتر از تزکیه ذکر کرد. و این بدان جهت بود که آیه مورد بحث در مقام توصیف تربیت رسول خدا صلی الله علیه و آله است مؤمنین امت را، و در مقام تربیت تزکیه مقدم بر تعلیم علوم حقه و معارف حقیقیه است. اما در دعای ابراهیم، مقام تربیت نبود؛ تنها دعا و درخواست بود. از خدا می خواست که این زکات و علم به کتاب و حکمت را به ذریه اش بدهد. معلوم است که در عالم تحقق و خارج، اول علم پیدا می شود بعد تزکیه؛ چون تزکیه از ناحیه عمل و اخلاق تحقق می یابد. پس اول باید به اعمال صالح و اخلاق فضیله عالم شد و بعد به آنها عمل کرد

۱۱. اهداف تعلیم و تربیت از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی وجود هدف را در تمامی فعالیت های فردی و اجتماعی و اتخاذ روش های مناسب با آن اهداف را در جهت نیل به اهداف ضروری می داند. تعلیم و تربیت که یکی از فعالیت های فردی و اجتماعی است، به اهداف و تعیین روش های مناسب برای نیل به آنها نیاز دارد. علامه معتقد است انسان در فعالیتهای فردی و اجتماعی خود از داشتن هدف گریزی ندارد و هرگز از تعقیب هدف خود از راه مناسب و به کار بستن مقرراتی که برنامه ی کار است، بی نیاز نیست؛ بنا بر این، داشتن اهداف با برنامه و روش های مناسب در تعلیم و تربیت ضروری می نمایند. با توجه به آنچه گفته شد، هدف های تعلیم و تربیت را از منظر علامه طباطبایی می توان به این شرح طبقه بندی کرد: الف. هدف غایی ب. اهداف واسطی

۱۲. الف. هدف غایی، رسیدن به توحید در مرحله ی اعتقاد و عمل علامه طباطبایی هدف غایی تعلیم و تربیت را رسیدن انسان به توحید، در مرحله ی اعتقاد و عمل می داند. کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان، از دیدگاه علامه در این است که انسان به وجود آفریننده ی آسمان ها، زمین و کل پدیده های عالم اعتقاد داشته باشد؛ آن گاه، در مرحله ی عمل، هر عملی که انجام می دهد، حاکی از بندگی او به خداوند تبارک و تعالی است. علامه در این مورد چنین می گوید: «از نظر اسلام، هیچ هدفی برای آفرینش انسان و زندگی او نیست، جز ایمان و توحید خداوند متعال در مرحله ی اعتقاد و عمل؛ یعنی اسلام کمال انسانیت و هدف نهایی زندگی انسان را در اعتقاد به خدایی می داند که همه ی پدیده ها و موجودات را آفریده و بازگشت همه به سوی

اوست

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



۱۳. همه به سوی اوست. پس از تحصیل چنین ایمان و اعتقادی، همه ی اعمالش حاکی از بندگی او به خداوند متعال است؛ در این صورت، توحید در ظاهر و باطنش رسوخ کرده، خلوص در عبودیتش در گفتار و کردارش ظاهر می گردد.»

۱۴. از آنجا که رسالت عمده ی تعلیم و تربیت اسلامی تأمین و محقق ساختن هدف آفرینش انسان است، رسیدن به توحید و اعتقاد و عمل هدف اساسی و غایی تعلیم و تربیت در اسلام است. نظام تربیتی باید همه ی تلاش و همت خویش را در رساندن انسان به توحید در مرحله ی اعتقاد و عمل به کار گیرد و انسانهایی را تربیت نماید که توحید در ظاهر و باطنشان رسوخ کرده باشد و تمامی اعمال و رفتارشان بیانگر عبودیت خداوند متعال باشد.

۱۵. اهداف واسطی اهداف واسطی تعلیم و تربیت اسلامی را از دیدگاه علامه طباطبایی مطرح کرد:

اهداف اعتقادی از آنجا که اعتقاد هر مسلمان همراه با تربیت اسلامی در حال تکوین و تکمیل است، هدف اعتقادی، در این تحقیق یک هدف واسطه ای در نظر گرفته شده؛ با این حال اهداف اعتقادی تعلیم و تربیت اسلامی در رأس اهداف دیگر آن قرار دارد؛ زیرا بدون اعتقاد و ایمان درست، زندگی سالم و معقول برای انسان میسر نیست. سعادت و رستگاری انسان در پرتو اعتقاد صحیح او تأمین می شود و اعتقاد فرد، زیربنایی ترین عنصر در زندگی اوست که تمامی اعمال و حرکاتش از آن تأثیر می پذیرد و بر طبق آن جهت می یابد. از نظر اسلام، فراگیری امور اعتقادی بر همه واجب است.

۱. هر فردی باید در تحصیل عقیده و بینش صحیح به بررسی ها و تحقیقات جامع و دقیق، در حد توان خود اقدام نماید و آزادانه، عقایدش را به طور استدلالی شکل دهد و از تعبد و تقلید در عقاید بپرهیزد. نظام تربیتی اسلام در تحقق این هدف مسئولیت مهمی بر عهده دارد و باید با برنامه های صحیح آن را عملی سازد.

۲. اهداف اخلاقی در وجود انسان یک سلسله ارزش های اخلاقی نهفته است؛ یعنی به ارزش های اخلاقی گرایش دارد؛ بنا بر این موجودی اخلاقی است. در اسلام تربیت اخلاقی انسان یکی از اهداف بسیار مهم تلقی شده است؛ طوری که رسول خدا(ص) هدف از رسالت خویش را رشد تکمیل فضایل اخلاقی معرفی می کند: بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

۳. اهداف نظامی فراگیری فنون نظامی و رزمی برای دفاع و جهاد در میدان های نبرد ضروری است. هدف از آموزش نظامی در تعلیم و تربیت اسلامی، در مرحله ی اول، بهره مندی از آن در میدان های جهاد با کفار و دشمنان اسلام است. در اسلام جهاد، به خودی خود هدف نیست؛ بلکه وسیله ای است برای رسیدن به آرمان های الهی؛ بنا بر این ضرورت دارد که به آموزش فنون نظامی و ایجاد آمادگی جسمانی و رزمی در افراد جامعه اقدام شود.

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



- برخی اهداف آموزش نظامی در تعلیم و تربیت علامه طباطبایی عبارت است از: - حفظ دین و ارزش های الهی در جامعه - جلوگیری از فساد و تباهی جامعه ی انسانی (بقره، ۲۵۱)؛ - صیانت از ارزش های معنوی و کرامت انسانی
۴. اهداف فرهنگی یکی از مسئولیت های تعلیم و تربیت، در جامعه، حفظ آثار ارزشمند فرهنگی و انتقال آن به نسل های آینده است؛ به بیان دیگر، تعلیم و تربیت وسیله ی ارتباط میان نسل های گذشته، حال و آینده است که دستاوردها و تجارب نسل های پیشین را در اختیار نسل های کنونی و آینده می گذارد. برای انجام این مسئولیت، اهداف متعددی با عنوان هدف های فرهنگی تعیین شده که برخی از آنها در تعلیم و تربیت علامه طباطبایی عبارت است از:
- تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف ها و روش های تربیتی شناخت و پذیرش فرهنگ اسلامی و تلاش برای حفظ و گسترش آن
- بهره مندی از آداب و رسوم منطبق با فطرت الهی انسان - پرورش قدرت تفکر و استنباط و نیروی ابتکار در افراد
۵. اهداف اجتماعی سعادت و رستگاری انسان در پرتو تعاملات اجتماعی و در ارتباط با دیگران به دست می آید. علامه طباطبایی در این مورد می گوید: «بدیهی است که یک سعادت واقعی و کامل جز در پرتو همکاری اجتماعی میسر نیست؛ چه در غیر این صورت، اگر هم سعادت به دست آید، کامل و همه جانبه نخواهد بود»
- رستگاری و سعادت انسان - همان طور که اشاره شد - در سایه ی گرایش اجتماعی و روح جمعی انسان حاصل می شود. تعلیم و تربیت در مورد این وظیفه و مسئولیت خطیر باید اهدافی را تعیین کند و برای نیل به آن بکوشد. بعضی از اهداف اجتماعی تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی عبارت است از:
- تقویت روحیه ی مشورت و همکاری در حل مسائل اجتماعی (همانجا)؛ - پرورش روحیه ی عدالت خواهی و داوری به حق (مانده، ۸)؛ - احترام به افراد و مراعات حقوق دیگران؛ - ایجاد روابط محبت آمیز و سازنده با دیگران خدمت به مردم و رفع نیازهای آنان

۱۶. جایگاه و وظایف معلم در تعلیم و تربیت اسلامی از نظر علامه طباطبایی

با توجه به تعریف، اهداف و روش های تعلیم و تربیت که در بخش های پیشین بررسی شد، می توان گفت معلم شایسته و صالح کسی است که با ماهیت، ارزش و اهمیت تعلیم و تربیت آشنا بوده، شناختی همه جانبه از اهداف و روش های آن داشته باشد و بتواند با به کارگیری روش های مناسب و فنون و تکنیک های ثمربخش، اهداف تعلیم و تربیت را محقق سازد. علاوه بر آن، معلم برای رسیدن به اهداف تعلیم و تربیت باید، به اوصاف لازم و نیکو مجهز باشد و به انجام دستور العمل ها و وظایفی که دانشمندان و صاحب نظران در

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



تعلیم و تربیت برای یک معلم، در کلاس و تدریس مشخص و توصیه کرده اند، همت گمارد. حال با توجه به اهداف، روش ها و مبانی نظری و فلسفی - تربیتی اندیشه های استاد علامه طباطبایی می توان ویژگی های زیر را برای یک مربی تعلیم و تربیت از منظر علامه طباطبایی در نظر گرفت.

۱۷. نتیجه گیری

در این مقاله، نخست مبانی انسان شناسی، ارزش شناسی و معرفت شناسی علامه طباطبایی، به طور مختصر مطرح گردید. سپس بر مبنای اندیشه های ایشان، به استخراج اهداف و تربیت اسلامی پرداخته به برخی ویژگی های معلمان در تربیت اسلامی اشاره شد. ذکر این نکته به عنوان یک نتیجه گیری کلی لازم و ضروری است که تربیت زمانی می تواند موفق شود که به پیدایی برخی صفات رفتاری مطلوب در یادگیرنده منجر شود و از آنجا که در تربیت اسلامی رسیدن به توحید و پرورش انسان خداپرست هدف غایی مطرح شده، می توان اذعان کرد که نقش اسوهای مربی یا معلم جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد. تعلیم و تربیت اسلامی - که مسئولیت انجام رسالت انبیا را برعهده دارد. برای پرورش اخلاقی دانش آموزان باید اهدافی را در جهت رهایی آنان از جاذبه ی امیال نفسانی در نظر بگیرد تا آنها بتوانند امیال و آرزوهای خود را در مسیری رهبری نمایند که خداوند تعیین کرده است

منابع

قرآن کریم

ایمانی نایینی، محسن. (۱۳۷۶) تبیین معیار های برنامه درسی براساس معرفت شناسی و ارزش شناسی ریالیستی علامه (ره) و برودی رساله ی دکتری دانشگاه تربیت مدرس،

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۶۲) نهج البفصاحه، تهران انتشارات جاویدان، جلد ۱۳

حراعلی، محمد، (۱۴۰۲) وسایل الشیعه، تهران، انتشارات الاسلامیه

حسینی، محمد، (۱۳۸۲)، بررسی دیدگاه ارزش شناسی علامه و دلالت آن در تربیت اخلاقی، رساله دکتری، تهران، دانشگاه تهران

خیمینی، روح الله، (۱۳۶۰)، ولایت فقیه، تهران، انتشارات امیرکبیر

صابری، علیرضا، (۱۳۶۳)، الحکم الزاهره، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ج ۲، ۱۰

شهید ثانی، (۱۳۶۸)، منیه المرید، ترجمه محمد باقر حجتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۴۶)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد تقی مصباح یزدی، قم، دارالعلم، ج ۳

اولین همایش ملی علوم انسانی در حکمت معاصر بامحوریت علامه طباطبایی

hcwconf.ir



طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۴۶)، قرآن در اسلام، قم، دفتر انتشارات اسلامی

طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۴۶)، تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ج ۲-۹، ۱۱، ۱۲، ۱۵، ۱۶، ۱۷

مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳) بحارالانوار، تهران، انتشارات آخوندی، ج ۱، ۷۰، ۷۴، ۷۵

مظفر، محمدرضا، (۱۳۴۵)، المنطق، نجف، انتشارات لقمان، ج ۲

نهج البلاغه، (بی تا)، ترجمه فیض الاسلام، تهران، نشر شارح نهج البلاغه